

صلنامه سیاست دفاعی

سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

راهبرد معناشناختی تولید قدرت نرم «درآمدی بر چالشهای هرمنوتیک ادبیات نبرد»

نویسنده: سیداسماعیل افتخاری*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۸/۱۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۵/۱۱/۱۷

صفحات مقاله: ۸۷-۱۱۹

چکیده

راهبرد معناشناختی در ادبیات نبرد شامل سازوکاری است که از پیوند هدفمند عوامل نرم و سخت، در چارچوب یک استراتژی معنایی پدید می‌آید و عرصه تقابلی قدرت نرم را شکل می‌دهد. هر یک از نشانه‌های سخت و نرم به شکل منفرد یا در چارچوب یک مجموعه، به مثابه یک سلول اطلاعاتی، بخشی از بازل گسترده میدان نبرد را تکمیل می‌کنند. ورود برخی داده‌ها به میدان و خروج برخی دیگر و همچنین تنظیم روابط بین داده‌ها، نوعی صحنه‌پردازی است که در موازنه عناصر قدرت نقشمند است. بی‌تردید کارگردانی این میدان بزرگ مستلزم تسلط بر هرمنوتیک قواعد پیچیده، ولی منطقی بازی است. با تدوین عناصر معنایی مطرح در یک چالش، به موازات کنترل مداخل و ورود و خروج نشانه‌ها، می‌توان به منظور ایجاد تغییر در معادله‌ها، مدیریت بهتری بر ادبیات نبرد اعمال نمود. از این دیدگاه شرط اساسی تسلط بر اندیشه و احساس و نتیجتاً تحمیل و هدایت تصمیم فرد یا جامعه هدف، طراحی سازوکار تولید قدرت نرم طی سلسله عملیاتی است که تحت عنوان مفهوم‌سازی و سناریوپردازی در تولید قدرت نرم شناخته می‌شود. این مقاله به زمینه کاربردی و مشترک عنصر نشانه در معناشناسی راهبردی و نیز جایگاه سناریوسازی و سناریوگشایی و در کشف وضعیت موجود و گمانه‌زنی برخی چالشهای فراروی جهان کنونی اشاره دارد.

* * * * *

کلید واژگان

نشانه‌شناسی، ادبیات نبرد، هرمنوتیک عملیاتی، قدرت نرم، تصمیم‌سازی، سناریوپردازی.

E-mail: linguist1343@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع)

1. Direction of decision
2. Soft power

مقدمه

پیش از آنکه فکر و احساس ایجاد گردد، نشانه به هنرنمایی می‌پردازد؛ لذا نشانه، هم خواستگاه روحیات است و در روان‌شناسی جایگاه دارد، هم در معناشناسی نقش اساسی ایفا می‌نماید و هم می‌تواند از منظر هرمنوتیک عملیاتی حاوی مفاهیم گوناگونی باشد. این مقاله برای تحلیل و اثبات کارکردهای همه‌جانبه و گسترده معنا در رقابت و تنش، به منظور تولید قدرت نرم از نشانه‌شناسی بهره می‌گیرد و با کمک علم منطق، به نحوه چینش، تعامل و تأثیر نشانه‌ها تا آستانه مرحله اقتناع و تصمیم‌گیری می‌پردازد.

اگر از دیدگاه مناسبی به تاکتیکها و راهبردهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بنگریم، معنای داده‌های دریافتی متحول می‌گردد، تفسیرها عمیق‌تر و تحلیلیها منطقی‌تر خواهد شد. وقایع در بطن خویش حاوی مفاهیم و پیامهای اثرگذار هستند. همین امر باعث می‌شود که به وقایع به مثابه منابع و سرچشمه‌های سرشار قدرت بنگریم و هرمنوتیک، ابزار استخراج، پالایش و فرآوری این منابع است. قدرت زبان، قدرت تصویر و قدرت سناریو بخشی از عوامل نیروآفرین قدرت نرم در دنیای ارتباطی معاصر است که عموماً در کنار مؤلفه‌هایی از قدرت سخت به میدان می‌آید. از یک سو گذر وقایع به خودی خود دربردارنده مجموعه‌ای از مستندهای واقعی و معنادار است و از دیگر سو امکان تولید سناریوهای هدفمند غیرواقعی یا داستانهای خیالی هم وجود دارد که گاهی در قالب نشانه‌های زبانی، تصویری و غیره ظهور می‌یابند و نقش‌آفرینی می‌کنند. پایه همه این سازه‌ها بر بستر نشانه قرار گرفته است و لذا در دنیای سایبرنتیک توجه ویژه به مدیریت معنایی اطلاعات، شرایط شناسایی و تفسیر بسته‌های معنادار را میسر و تولید مفاهیم و سناریوهای برتر را با کمک نشانه‌های زبانی^۱ و غیرزبانی ممکن می‌کند. در تکاپوی درک قدرت نرم و تولید آن، جستجوی معادلات ژرف حاکم بر سناریوهای خرد و کلان معنایی، چه در بستر انتزاعی معنا و چه در

میدان عمل چالشهای واقعی فیزیکی، بدون اشراف بر مقیاسها و معیارهای شناخته شده نوین میسر نیست.

گفته‌ها، نوشته‌ها، داستانها، فیلمها، حوادث (واقعی و ساختگی)، وقایع و جنگها در بردارنده داده‌هایی هستند که به شکل هدایت‌شده یا طبیعی در فرایند تصمیم‌سازی^۱ انسانها تأثیر اساسی دارند. در عصر رسانه، مهندسی داده‌ها و تأویلهای هرمنوتیکی جایگاه ویژه می‌یابد؛ چرا که برآیند معنایی داده‌های در دسترس، شخصیت و کنش مخاطب را شکل می‌دهد و در تصمیم‌گیریهایی وی نقشمند است و به همین دلیل نباید از نقش استراتژیک آن غافل بود. حتی در نبردهای نرم، بخش اعظم تولیدات نشانه‌ای به عناصر سخت نبرد اختصاص می‌یابد و همین نکته، ارزش تاکتیکی و راهبردی استفاده بهینه از نشانه‌های موجود را به موازات تولید نشانه‌های مورد نیاز آشکارتر می‌سازد. در سازوکار قدرت، ارزش هر نشانه منحصر به فرد است و صرف‌نظر از سختی و نرمی، در بسته معنایی^۲ خود، کارکرد ویژه و منحصر به فرد دارد. تصمیم‌گیرنده، مرکز اصلی فعالیتهای اطلاعاتی است و هدف نهایی، تصمیم‌گیری انسان است. چرا که ... مهمترین هدف در جنگ اطلاعاتی تأثیرگذاری بر توانایی طرفین درگیر و رساندن آنها به حد تصمیم‌گیری منطقی است. (کرکی، ۱۳۸۳، ۱۲۶)

با تکیه بر شیوه‌های نوین فرآوری و تفسیر هرمنوتیکی، درک ژرف‌تر ساختار جهان‌بینی فرد یا گروه هدف تسهیل می‌گردد (شناسایی) و سپس با افزایش یا کاهش هدفمند مؤلفه‌های (سخت و نرم) معناداری که مورد مصرف مخاطب قرار می‌گیرند، ضمن در نظر داشتن تعامل بین این مؤلفه‌ها (برنامه‌ریزی)، امکان ایجاد تغییرات مورد نظر فراهم می‌گردد (اجرا).

دفاع در مقابل سازه‌های نشانه‌ای القا شده توسط حریف و هجوم به سازه‌های معنایی وی نیز از طریق ترکیب‌بندی نشانه‌های منفرد یا متشکل در بسته‌های

معنایی، سناریو و تولید سازه‌های مناسب زبانی و غیرزبانی به منظور ساخت مفهوم ایده‌آل، ممکن می‌گردد. گاه می‌توان به جای اجرای یک عملیات نظامی گسترده و پرهزینه، تنها با تنظیم و اجرای سناریوی زبانی عملیات، به جنگ با دشمن مبادرت ورزید و بدون تحمل هزینه و پذیرش ریسک بالا به پیشرویهای عمده دست زد. گاه تولید یک واژه، یک ترکیب زبانی^۳، یک جمله یا یک نشانه غیرزبانی به اندازه چندین تن مهمات جنگی برای دشمن خسارت‌بار است. دفاع نرم نیز با ایجاد خاکریزهای مطمئنی صورت می‌گیرد که حاصل کاربرد یا هدایت مجموعه‌ای از نشانه‌های همسو و هدفمند در قالب مفاهیم منطقی و سناریوهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است. این مقاله به تحلیل تئوری معنا-محور^۱ در تولید توان تحمیل اراده و قدرت‌آفرینی نرم در بستر هرمنوتیک همراه با ارائه نمونه‌های کلی متمرکز است؛ لذا توضیح نحوه پردازش نشانه‌ها و تفسیر معناشناختی سناریوهای خاص به فرصتی دیگر موكول می‌گردد.

طرح مسئله

اندیشه و رفتار آدمی برآیند کلیه معانی است که به دلالت نشانه‌های نرم و سخت دریافت می‌شود، با عنصر عقل، مورد پردازش منطقی قرار می‌گیرد و در نهایت به عقیده، تصمیم یا کردار منتهی می‌گردد. کنترل و هدایت معنا در راستای اهداف از پیش تعیین شده عامل اساسی در فرآیند تولید قدرت نرم شمرده می‌شود.

لذا برای به دست آوردن نتایج صحیح، انسان باید دارای معلومات مطابق واقع باشد و طریقه صحیح تصرف در معلومات را بداند و این فضیلت ملکه او شود.

(نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۰، ۲۴)

پیوند نشانه‌ها به مثابه ترکیب عناصر، عامل تولد مفاهیم موردنظر در زمان و مکان تعیین شده است که همان عامل کارکرد، اتصال و برآیند نشانه‌ها در سازه‌های نشانه‌ایست.

تجزیه نشانه‌ها نیز شامل از هم گشودن پیوستار و ساختار سازه یا سازه‌های

ساده یا پیچیده معنایی و بررسی کیفیت نشانه‌های موجود در آن و تفسیر هرمنوتیکی ارتباط معنادار میان آنها است. تحلیلهای هرمنوتیکی امکان تأویل دقیق و عمیق نشانه سخت و نرم را در بافت آن فراهم می‌سازند تا در تنشهای فیزیکی و عملیات روانی راه مفهوم‌سازی متمرکز و برنامه‌ریزی شده هموار گردد. از نشانه منفرد عموماً معانی مختلفی قابل استحصال است و این معانی اغلب در بافت موقعیتی نشانه آشکار می‌شود و در شرایطی نیز مبهم باقی می‌ماند تا فضای برداشت مفهوم، در هاله‌ای از ابهام و چندگانگی ماندگار شود. اینجاست که تفسیر شبکه‌های نشانه‌ای و استخراج معنا به منظور کسب اطلاعات لازم یا القای اطلاعات موردنظر به عنوان مهارتی مطرح می‌گردد که امروزه کسب آن در فرماندهی چالشهای سخت و نرم ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که توجه به ساختارها و صور پیام‌گیری و پیام‌رسانی در پهنه‌های سیاسی و نظامی موجب می‌شود راه استفاده بهینه از نشانه‌های معناساز در فرایند فکرسازی، تصمیم‌سازی و تحمیل اراده بیش از پیش روشن گردد.

از دهه ۱۹۹۰ که نظریه‌ها، چشم‌اندازها و فرضیات گوناگون در حوزه‌های اطلاع‌رسانی و هرمنوتیک توسط هیورلند^۱، آلبرچسن^۲، ویک‌گرن^۳ و بریر^۴ برجسته‌تر شد، فرایند تحلیل، مفهوم‌آفرینی و انتقال دانش از دیدگاه نشانه‌شناسی تحلیلی مطرح گردید. با وجود این تبیین ماهیت کارکرد نشانه در ذهن و نقش ویژه آن در جنگ و دفاع، حوزه‌ای است که هنوز به اندازه کافی تحت بررسی قرار نگرفته است. شالوده اصلی این مقاله شامل رابطه هرمنوتیک مؤلفه‌های نظامی در قالب سیاست و عملیات روانی جاری در سناریوهای خرد و کلانی است که دستمایه تصمیمات، عملکرد و اظهارات سیاستمداران و تصمیم‌سازان در نبردهای نظامی، اطلاعاتی و فرهنگی است. واکنشهای معناشناختی متقابل میان نشانه‌ها و بین

1. Hjorland, B.
2. Albrechtsen, H.
3. Wicgran, M.
4. Brier, S.

مفهوم‌سازان و مفهوم‌پذیران، زمینه‌ساز بررسی ماهیت و چگونگی کارکرد نشانه در این تعامل دیرپاست. نقش این رابطه در چالش‌های منطقه‌ای و جهانی بدون تشریح مقدمات مبانی کاربردی معناشناسی در این حوزه آشکار نخواهد شد و لذا اهمیت راهبردی این موضوع ناشی از جایگاه نیروزای فرایندهای معنایی در تعاملات، تنشها و تصمیم‌گیریهاست.

فرضیه اصلی

معناشناسی امروز از تفکرات رفتارگرایانه واتسون و شرطی‌سازی. اسکینر فاصله گرفته و بیش از پیش به آرای منطقی و ذهنی نوآم چامسکی نزدیک شده است. توجه به معنا در آشکال زبانی و غیرزبانی در سه دهه اخیر رشد چشمگیر داشته که از آن به‌ویژه در عرصه‌های استراتژیک بهره‌چندانی نبرده‌ایم. امروزه می‌توان با تکیه بر تئوری‌های موجود و با رجوع به نمونه‌های کاربردی، راهکارهای بهینه معنا‌ساز و قدرت‌آفرین در حوزه‌های پراهمیت را شناسایی نمود و در قالب فرمولهای عملی و شفاف ارائه کرد. در نشانه‌شناسی کاربردی، حرکت پلکانی از پردازش‌روساخت (صحنه‌گشایی و صحنه‌پردازی) به پردازش ژرف ساخت (تأویل و هرمنوتیک)، زمینه‌ساز ورود به سطح پیچیده‌تر و کاربردی‌تری از معنا است که سناریوهای منطقی را تفسیر، تولید و بازتولید می‌کند. اعمال نفوذ بر مخاطب (دوست یا دشمن ادعای نامعقولی نیست. با ایجاد توافق میان مخاطبین می‌توان مطمئن بود که انتخاب و نگرش آنان همواره به گونه‌ای شکل می‌گیرد که ما می‌خواهیم. (Chomsky, 1977, 14)

روش پژوهش

با توجه به جایگاه میان رشته‌ای موضوع مقاله، پرداخت محتوا با شیوه استدلالی و توصیفی صورت گرفته است؛ ضمن آنکه روند مقایسه دیدگاه‌ها، شیوه پژوهشی برخی قسمتهای بحث را به شیوه توصیفی - تطبیقی نزدیک نموده است. سیر جنبه‌های نظری به سرعت و با ارائه چند مثال به زمینه‌های کاربردی که هدف

اصلی این جستار است منتهی می‌گردد. به علت محدودیت حجمی مقاله از تعداد مثالها حتی‌الامکان کاسته شده و به مقتضای شرایط، تمرکز مثالها بر چالشهای مرتبط با جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده است. به منظور تسهیل درک مطالب و حفظ جنبه‌های پرگماتیستی از ورود به مباحث تخصصی منطقی و معناشناختی و همچنین کاربرد اصطلاحات فنی حتی‌الامکان اجتناب شده است.

قدرت و محدوده هرمنوتیکی معنا

در چرخه قدرت، ابزارها و مکانیزمهای قدرت‌ساز، گاهی بسیار ناپیدا، ظریف و در عین حال نافذ و مؤثر هستند و به همین دلیل هم در شکل و هم در شیوه عمل کاملاً ارزشمند و متمایزند. جالب است که این مبانی اگرچه بر ریزترین جزئی‌ترین زمینه‌های ذهنی استوارند، ولی تا محدوده عظیم‌ترین و آشکارترین پایه‌های قدرت سخت نیز امتداد می‌یابند. واکنش ذهن در برابر محرک خارجی که از راه حواس دریافت می‌گردد، چیزی جز یک احساس مجرد^۱ نیست و هرگاه این احساس با دریافت‌های قبلی ترکیب شود، آن را ادراک حسی^۲ یا آگاهی می‌خوانند. انسان با حواس خویش، امور جزئی را احساس می‌نماید و وظیفه عقل، درک کلیات و برقراری ارتباط بین آن امور است و در نهایت، به آنچه را که عقل، ادراک می‌نماید "معنا" نام داده‌اند. (صفوی، ۱۳۷۹، ۲۸)

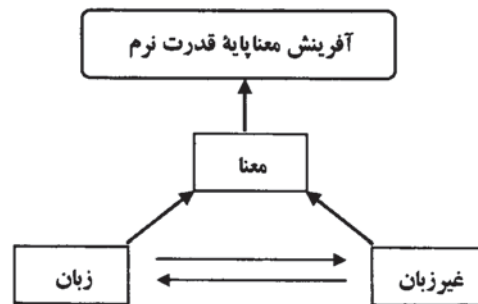
دریافتهای حسی انسان از جهان دربردارنده انبوهی از نمادهاست که به هر یک از آنها داده گفته می‌شود و معناشناسی به مطالعه رابطه ژرف ساختی میان آنها می‌پردازد. معنا شامل همه دریافتهایی است که در قالبهای گوناگون از زبان و غیرزبان صورت‌پذیر است.

از منظر هرمنوتیک، نشانه‌ها عمدتاً در راستای درک و تأویل ذهن قرار می‌گیرند و لذا هرمنوتیک به مثابه نظریه‌ای در تفسیر، فهم و به‌طور کلی روشی دقیق در علوم مطرح است که به‌طور خاص به تأویل معنا می‌پردازد^۳ و به شیوه‌ای

1. Abstract perception

2. Sense of Cognition

علمی، امکانات استخراج، استنباط، تفسیر و تأویل معنا را فراهم می‌آورد. شلایر مایر هرمنوتیک را در محدوده درک نیت مؤلف مطرح نمود و بعداً ویلهلم دیلتای با توسعه این دیدگاه به عنصر فهم، توجهی ویژه نمود. از دید وی انسان به‌طور پیوسته خود را در موقعیتها و مواجهه با اتفاقاتی می‌بیند که گرداگرد او رخ می‌دهند و وی باید همواره به درک شرایط پردازد و تصمیم‌گیری کند. مارتین هایدیگر بنیان انسان را بر درک و تأویل نهاد و هستی را شامل نشانه‌هایی دانست که همواره به روشنی خود را می‌نمایانند.^۵ (ریخته‌گران، ۱۳۷۸، ۲۸)



بنابراین آنچه بین دنیای درونی انسان با دنیای بیرون ارتباط برقرار می‌کند معناست و نشانه در خدمت این ارتباط قرار دارد. معنا توسط اقسام نشانه‌ها منتقل می‌گردد. تمامی اجزای زبان در تولید و انتقال مفهوم دخالت دارند^۶ و نمادهای غیرزبانی طبیعی و ساختگی نیز خواسته یا ناخواسته و به سهم خود به افاده معنا می‌پردازند. تولید معنا توسط اشیا، نمادها و حوادث جاری، لحظه به لحظه رخ می‌دهد و مانند جریان باد، می‌توان آن را به خدمت گرفت و هدایت نمود. نشانه‌های زبانی و غیرزبانی با قواعد عقلایی منطبق به یکدیگر می‌پیوندند و قالب سناریو در سطحی پیچیده‌تر، بر آراستگی و قابلیت‌های آنها می‌افزاید تا در سایه عقل و احساس، مراحل مهم نفوذ و تصمیم‌گیری انجام شود و در پی آن، ورود به فرآیند اجرا میسر گردد.

نشانه‌شناسی و قدرت

نگاه سطحی به نشانه، نوعی ساده‌لوحی و در تضاد با طبیعت پیچیده معنای تولیدی و ادراکی است. دنیا از نشانه‌هایی ساخته شده که به معانی دلالت می‌کنند و هر چیز که نماینده چیز دیگری جز خودش باشد یا بر چیز دیگری جز خودش دلالت^۱ کند، نشانه نامیده می‌شود (نجفی، ۱۳۷۴، ۱۴). در یک طبقه‌بندی عام نشانه‌شناختی^۱، نشانه^۲ به دو بخش زبانی و غیرزبانی قابل تقسیم است. همان‌طور که با گفته و شنیده شدن واژه "جنگ"، یاد آن در ذهن تداعی می‌شود؛ با وقوع جنگ و لمس نشانه‌های واقعی جنگ نیز فضای جنگ در پندار شکل می‌گیرد. جالب آنست که به هر دو مجموعه از این سمبلها، نشانه اطلاق می‌گردد و کمابیش کارکرد مشابهی دارند. هدف ما مقایسه این دو گروه بزرگ نشانه‌ای نیست؛ بلکه بیان ویژگیهای مشترکی از آنهاست که مورد نیاز این بحث می‌باشد.

نشانه‌های غیرزبانی شامل همه عوامل معنادار خارج از چارچوب زبان و نشانه‌های زبانی شامل کلمات، جملات و متون می‌گردد. به این ترتیب واژگان زبانی به عنوان نشانه‌هایی محسوب می‌شوند که معنای خاصی را وارد ذهن می‌کنند و نشانه‌های غیرزبانی هم به‌طور منفرد یا در شبکه‌ی مربوطه حاوی معنا هستند. نمادهای زبانی غیرزبانی همواره در بافت موقعیتی خود تفسیر و تأویل می‌شوند. در شرایط طبیعی کاربرد نشانه‌های زبانی کاملاً متأثر از مجموعه‌ی سایر نشانه‌هاست. متن، مجموعه‌ای از جملات منفصل نیست؛ بلکه عبارتست از مجموعه‌ای از جملات مرتبط با یکدیگر که در بافت^۲ بخصوصی ظاهر می‌شوند. بافت دربرگیرنده شرایط غیرکلامی یا [غیرزبانی] است که به‌طور صریح در سطح رو‌ساخت متن تحقق نمی‌یابد؛ اما نقش مهمی در خلق متن ایفا می‌کند (امام، ۱۳۷۰، ۵). جملات زبانی با توجه به بافت موقعیت تولید می‌گردند و همین بافت، شکافهای موجود در برداشت معنا را با عناصر غیرزبانی خویش پُر می‌کند تا حتی‌الامکان

1. Semiotic
2. Context

خلاقیتی در مفهوم نهایی باقی نماند.

هر نشانه دارای ارزش و وزن معنایی مخصوص به خود است و هیچ نشانه‌ای کاملاً بی‌معنا نیست. در نشانه‌شناسی، پیام، ترکیبی از علامتهاست که از طریق تعامل با دریافت‌کنندگان، معانی را تولید می‌کند. روشهای تفسیر معنایی به شکل موازی در شبکه‌های نشانه‌ای زبانی و غیرزبانی کاربرد دارد. هنگام نمایش رخدادهای طبیعی و غیرطبیعی، تعامل منطقی نشانه‌ها با یکدیگر صورت می‌پذیرد.^۹ این رخدادهای در بطن خود دارای پیامهای هرمنوتیکی آشکار یا مبهم و قابل تفسیر هستند و کارکرد هرمنوتیک می‌تواند همه نشانه‌ها را دربرگیرد؛ چرا که گشایش پیامهای رمزی قابل استحصال از نشانه‌های موجود در یک دستگاه معنایی، با نوعی نگرش هرمنوتیکی پیوند می‌خورد.

نمادهای بسیط، ناگزیرند بر مفهومی دلالت کنند، چرا که در غیر این صورت نماد شمرده نمی‌شوند. یک سنگ در آن واحد به عنوان یک نماد منفرد بر سنگ بودن خود، حجم، وزن، رنگ، دما، سختی و ویژگی هندسی خود دلالت دارد. یک واژه نیز به عنوان یک نماد منفرد بر مفهوم خویش دلالت دارد. شنیده شدن صدای یک انفجار در بافت زمانی و مکانی خاص، یک نشانه صوتی است که ممکن است مجموعه نشانه‌ها، تحلیلها و نتایج خاصی را تداعی کند.

- نام ایران، جایگاه ایران و نقشه ایران در جغرافیای سیاسی جهان یک نشانه است که در دل مسلمانان و ستم‌دیدگان جهان، بر حق‌طلبی و امید دلالت دارد؛ در حالی که در دل ستمگران عالم معنای کاملاً متفاوتی ایجاد می‌نماید.

به این ترتیب نمادهای منفرد گرچه بسیط شمرده می‌شوند؛ ولی خود یک سازه هستند، یعنی از اجزای ریزتری تشکیل شده‌اند. سازه‌ها نیز می‌توانند حاوی معانی وسیع‌تر از مجموعه نشانه‌هایی باشند که از آن تشکیل شده‌اند:

- در طی انتفاضه اول فلسطینی‌هایی که در خارج بودند یک کشتی حامل صدها پناهنده فلسطینی را به صورت ماجراجویانه به فلسطین فرستادند. هدف بهره‌برداری [معنایی] از این حرکت بود؛ هرچند ممکن بود در ورود آنها به

فلسطین خللی ایجاد شود. (شلیفر، ۱۳۸۳، ۳۴)

هدف قرار دادن هواپیمای ایرباس مسافربری ایران در مقطع زمانی خاص، ساخت یک نشانه سخت‌افزاری برای القای پیام و تحمیل اراده آمریکا بود. - عقب‌نشینی شتابزده و غیرمترقبه اسرائیل از جنوب لبنان نشانه واماندگی و استیصال رژیم صهیونیستی در مواجهه با حرکت مقاومت مردمی تلقی شد.

چارچوب چالش‌برانگیز نشانه

نشانه‌های منفرد که گاه به تنهایی و گاه در بین مجموعه‌ای از نشانه‌ها (بافت) ظاهر می‌شوند و شامل حداقل واحد معنادار یا نقشمند هستند، لزوماً از محدوده مشخص مفهومی برخوردار نیستند؛ از این رو در همه موارد نمی‌توان به سادگی به تعریف آنها پرداخت و همین نکته نیز محل آغاز مناقشه است:

فقر کیست و خط فقر در کجا قرار دارد؟ / تپه در چه اندازه‌ای تپه است و کوه نیست؟ / تضمین عینی به چه معناست؟ / دفاع تا کجا دفاع است و حمله نیست؟ / آزادی تا کجا آزادیست و هرج و مرج نیست؟ / قانون تا کجا قانون است و دیکتاتوری نیست؟ / حقوق بشر چه معنایی دارد و بر مبنای چه اصولی تعریف می‌شود؟ / منافع ملی چیست و در چه محدوده‌ای قرار دارد؟ / مقصود از نظم نوین جهانی چیست؟ / شورش چه تفاوتی با انقلاب دارد؟ / آیا مبارزه آزادیخواهانه همان تروریسم است؟ / ...

مصادیقی که واژگان به آنها دلالت می‌کنند، از بعد معنایی دارای نسبیّت هستند. بنابراین در دنیای واقعی، عموماً مرز دقیقی بین مصادیق در نظر گرفته نشده است و به تبع آن در نامگذاریها نیز مرزبندی دقیق میسر نیست. این وضع در عالم تجرید و در مورد مفاهیم خیالی و انتزاعی و واژگان مربوط به آنها هم دیده می‌شود. یکی از نتایج طبیعی این نسبیّت زبانی بروز ابهام^۱ است که محدود به واژه نیست و در سازه‌های بزرگتر از واژه مانند ترکیب، عبارت^۲، جمله، بند و

1. Ambiguity
2. Phrase

متن هم دیده می‌شود و حتی نشانه‌های غیرزبانی را نیز در بر می‌گیرد. به موازات وسعت سازه زبانی، دامنه ابهام نیز امکان توسعه و تعمیق دارد. به‌کارگیری نشانه با معانی و مشخصه‌های خاص در بافت زمانی و موقعیتی خاص، امکان برداشتهای موردنظر دوگانه یا چندگانه را فراهم می‌آورد. این قابلیت در قراردادهای سخنرانیهای تبلیغاتی و سایر سازه‌های معنادار با هدف تحمیل برداشتها و تفسیرهای چندگانه به مخاطب، به خطا کشاندن و همچنین استفاده‌های بعدی مورد مصرف دارد:

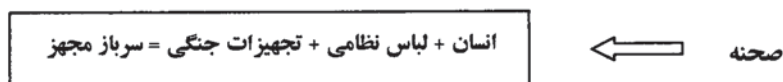
- در مذاکرات هسته‌ای ایران با سه کشور اروپایی ترکیب زبانی "تضمین عینی" با این هدف گنجانده شد که بعداً معنای توقف غنی‌سازی اورانیوم را از آن افاده کنند.

- مشروط ساختن آغاز غنی‌سازی به پایان مذاکرات و مشروط کردن پایان مذاکرات به اطمینان اروپا از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در واقع سوق دادن ذهن تصمیم‌گیران ایرانی به چرخه نامشخص، مشروط و مبهمی از نشانه‌ها و معانی است.

شکل‌گیری طبقات نشانه‌ای نیز با هم‌آوری چند نشانه و در نتیجه تولید نشانه پیچیده‌تری میسر می‌گردد. ممکن است این نشانه نیز در روند ترکیب نشانه‌ها، به نوبه خویش عضوی از یک نشانه بزرگتر گردد. وقتی نشانه‌های منفرد در بعد مکان یا زمان در کنار هم قرار گیرند، دلالات خود را بر یکدیگر تسری می‌دهند و ترکیبات معنایی را می‌آفرینند. وقتی آب با خاک آمیخته شود، محصول به دست آمده گل است. وقتی دو کلمه یا بیشتر کنار هم قرار گیرند (در بُعد مکان و در نوشتار) یا به دنبال هم تلفظ گردند (در بعد زمان و در گفتار)، معجون جدیدی از جنس معنا شکل می‌گیرد. در ترکیب "سنگ آسمانی" دو نماد منفرد، مفهوم خود را به اشتراک گذارده و معنای متفاوتی ایجاد کرده‌اند. باهمایی نشانه‌ها امکان تولید ترکیبات معنادار را در سطح نامحدودی فراهم می‌شود که در عرصه‌های مختلف بسیار پر مصرف است:

- ترکیب سه بخشی "رژیم اشغالگر قدس" صفت اشغالگری را که عمداً در ترکیب، تعبیه شده است، آشکارا مورد بازنمایی و تلقین قرار می‌دهد. بدین ترتیب در آفرینش معنا دو نوع شبکه نشانه‌ای زبانی و غیرزبانی، هماهنگ با هم یا به‌طور مجزا قدرت عمل دارند و به خلق تصویر می‌پردازند؛ چرا که ایجاد پرسپکتیو مناسب از مبانی اساسی تولید قدرت نرم شمرده می‌شود. در بعد غیرزبانی، کنار هم قرار گرفتن اشیا، پدیده‌ها و اشخاص به خودی خود تصویری ایجاد می‌کند که مجموعه‌ای از نشانه‌های معنادار را در بر می‌گیرد. صحنه‌های طبیعی آمیزه‌ای از نشانه‌های معنادار را در بردارند و علاوه بر آن، خلق صحنه‌های ساختگی از جهاتی بی‌شبهت با صحنه‌پردازی تئاتر نیست:

- یک انسان در لباس نظامی همراه با تجهیزات جنگی که همراه دارد مانند پوستر متحرکی است که با نشانه‌های معنادار خود پیام‌رسانی می‌کند:



- باهمایی تعداد فراوانی از سربازان و تجهیزات نظامی در کنار هم سازه‌های بزرگ و بزرگ‌تر نظامی ایجاد می‌کند که تصویر آن در منطق سیاسی امروز، واگویه‌ای از قدرت تلقی می‌گردد. در رزمایشها، رژه‌های نظامی، تظاهرات و گردهم‌آییهای سیاسی بسیاری از این صحنه‌ها که با خود انبوهی از نشانه دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند تا مفاهیم و پیامهای خاصی تولید گردد. یک رژه با شکوه بدون شک نمایشی از قدرت سخت و نرم است که مؤلفه‌های معنایی چون شمار انبوه نظامیان، تجهیزات پیشرفته، انضباط، استحکام و اراده را به رخ می‌کشد.

منطق قدرت آفرین تعاملات نشانه‌ای

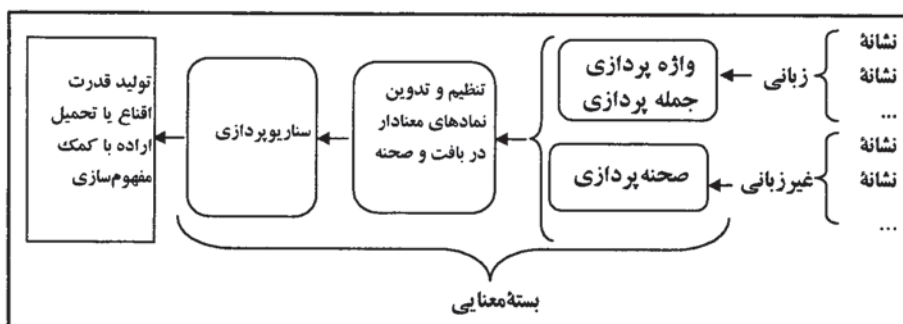
کارکرد منطق در آفرینش تصورات و خلق مفاهیم، بدیهی و مبنایی است. ارسطو تمام معلومات بشر را به باغ تشبیه کرده، منطق را به منزله دیوار و علوم مختلف

را اشجار و فنون را شاخ و برگ و اخلاق حسنه را میوه این باغ شمرده است (ارسطو، ۱۳۷۸). علم منطق جستجوگر و کاشف قواعدیست که در نظر گرفتن آنها حین تفکر از وقوع خطا پیشگیری می‌کند، مقدمات و مسیر استدلال را تا رسیدن به نتایج عقلانی تعیین می‌نماید و در نهایت، نتایج حاصله را به ذهن می‌قبولاند یا تحمیل می‌کند. داده‌های کسب شده از طریق ابزارهای حسی انسان در حوزه منطق و تفکر او با یکدیگر پیوند می‌خورند و اتصال این اطلاعات پراکنده تصویری کامل به وجود می‌آورد. داده‌های واقعی و غیرواقعی با کمک قواعد منطقی که از عقل سلیم سرچشمه می‌گیرند، کنار هم قرار می‌گیرند و با هم ترکیب می‌شوند تا گزاره‌های^۱ بزرگتری ایجاد شود. منطقه در مناظرات، گفتگوها و تحلیل‌ها کاربرد دارد و البته مورد سوءاستفاده نیز قرار می‌گیرد:

- اگر طالبان را عامل حملات یازدهم سپتامبر فرض کنیم؛ آنگاه در صورت نادیده انگاشتن نقش اصلی آمریکا و برخی کشورهای منطقه در شکل‌گیری حرکت طالبان، حمله آمریکا به افغانستان قابل توجیه می‌گردد؛ ولی در مورد حمله آمریکا به عراق که در امتداد همان حمله و با بهانه‌های مشابه صورت پذیرفت، انجام یک تحلیل منطقی مقدور نخواهد بود.
- بر اساس یک قیاس که نتیجه آن نیز ذکر شده است یوشکا فیشر وزیر امورخارجه پیشین آلمان بیان می‌دارد که اگر ایران به سوی تولید بمب اتمی گام بردارد کشورهای منطقه هم یکی پس از دیگری دست به چنین کاری خواهند زد و در نتیجه خاورمیانه به سوی یک مسابقه تسلیحاتی رهنمون خواهد شد. (Radio Farda, 2005)

اینجاست که برای تشخیص استفاده سوء از نشانه‌ها باید به تفاوت بین منطق ریاضی و منطق زبانی اشاره نمود و به مضامینی چون قیاس، استقراء، شرط، مجادله، برهان و به‌ویژه مغالطه توجهی ویژه داشت که البته توضیح آنها به مجال دیگری نیاز دارد. کشف و تفسیر ارتباطات معنایی و همچنین به‌کارگیری مفهوم و

ایجاد و تسری یک فکر یا زدودن یک تصور به ذهن گروه هدف مستلزم درک چگونگی شکل‌دهی عناصر معنایی در قالب مفهوم‌سازی و تدبیر مجموعه سلسله مراتبی نشانه‌ها در چارچوب سناریوهایی منطبق با چالشهای گذشته و پیش‌روست.



ساختار پرسپکتیو منطقی^۱ شامل حذف نمادهای ناهمگون، آفرینش نمادهای موردنیاز ولی ناموجود، انتخاب زمان و مهمتر از همه کیفیت چیدمات نشانه‌ها در یک تابلو معنایی بر اساس اصول مسلم منطقی است که در مفهوم‌سازی و سناریوپردازی پیشرفته نبرد مطرح است. بدین ترتیب کشف و تولید معنا در دو سطح مفهوم‌سازی و سناریوپردازی صورت می‌گیرد که تا حدود زیادی وابسته به هم و ملزوم یکدیگرند.

مفهوم‌سازی راهبردی در نبرد نشانه‌ها

مفهوم [زبانی] به نظام پیچیده روابطی مربوط می‌شود که میان عناصر زبانی وجود دارد و دربرگیرنده روابط درونی زبان است (ساغروانیان، ۱۳۶۹، ۴۰۶). مفهوم‌سازی^۲ به سطح کلانی از معنا مربوط می‌گردد که دامنه آن از تکواژ^{۱۱} به عنوان یک نشانه آغاز می‌گردد و به تمامی ساختهای بزرگتر و حتی سناریوها تسری می‌یابد. مبانی شکل‌گیری مفاهیم بزرگتر اغلب با ساخت ترکیب آغاز می‌گردد و ترکیبات

1. Logical Perspective
2. Conceptualization

نشانه‌ای و مصداقی در سیر مستقیم یا لایه‌ای خویش، تداعی مفاهیم ذهنی را به دنبال دارند. هر نشانه به خودی خود دارای مفهوم است؛ ولی شبکه‌های نشانه‌ای که مجموعه‌ای از نشانه‌های مرتبط را شامل می‌شوند، بار سنگین‌تری از مفهوم را به دوش می‌کشند و از اهمیت بیشتری برخوردارند. این شبکه‌ها در حوزه زبانی از باهم‌آیی عناصر معنادار زبانی در چارچوب قواعد دستور زبان شکل می‌گیرند. درحوزه غیرزبان این شبکه‌ها شامل چیدمان عوامل ساخته طبیعت یا انسان بر اساس قوانین طبیعی علم است. این سازه‌های نشانه‌ای چه از طریق حواس درک شوند و چه در خیال انسان شکل گیرند، در هر حال حاوی مفهوم هستند؛ لذا مفهوم‌سازی شامل ایجاد مفاهیم مورد نظر به وسیله خلق یا طرح نشانه‌های گوناگون است. این مفاهیم گاه به تنهایی و گاه در شبکه‌های پیچیده‌تری مانند سناریو ظاهر می‌گردند. لازمه کارکرد هدفمند مفهوم، توجه به ویژگیهای بافت محیطی و بافت ذهنی مخاطب است؛ چرا که برآیند این دو بافت، همان بستر استقرار مفهوم است. به سخن دیگر، مفهوم مانند نهالی است که در مزرعه بافت به بار می‌نشیند.

بستر سیال و بدون فرم ذهن انسان با قالبهای مفهومی حاصل از دریافتهای حسی یا سازه‌های زبانی شکل می‌گیرد و با کمک عنصر عقل، اندیشه آدمی را رقم می‌زند. در هر برهه، مجموعه دریافتها، ذهن را به جانبی هدایت می‌کند که منطقی‌تر برآیند مجموع همان دریافتهاست. به سخن دیگر، عقل آدمی همواره از مفاهیم حاصل از دریافتهای ذهنی و زبانی، نتیجه‌گیری منطقی به عمل می‌آورد و به سمت خاصی هدایت می‌گردد که بازخورد همان داده‌هاست. بنابراین تنظیم حجم و نوع مواد ورودی به این کارخانه بر کمیت و کیفیت تولیدات آن اثر مستقیم دارد و این نکته علاوه بر عرصه قدرت در تبلیغات نیز مورد مصرف دارد.

مفهوم‌سازی یکی از راه‌های ایجاد تصورات، ذهنیات و عادات معنایی است که در آفرینش باور و شکل دادن به خواسته‌های گروه مخاطب نقش اساسی دارد و از

نظر جایگاهی بر فراز نبردهای نرم و سخت قرار می‌گیرد؛ لذا حوادثی که در جنگ و عرصه سیاسی رخ می‌دهد، یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. متقاعدسازی حریف با جنگ فیزیکی به معنای معترف ساختن او به عجز و ناتوانی و تسلیم و در جنگ نرم، به منزله نوعی پذیرش به ظاهر غیراجباری است^{۱۲}. نمونه سوء القائاتی که به کمک مفهوم‌سازی صورت می‌پذیرد، از این دست است:

- مجهز شدن ایران به تکنولوژی هسته‌ای به معنای تولید بمب اتمی و بروز فاجعه جهانی است.

- ما جهان سومی هستیم و همواره عقب‌مانده خواهیم بود.

- یهودی‌کشی آلمانی‌ها در جنگ جهانی دوم یک نسل‌کشی آشکار بود.^{۱۳}

اگرچه مفاهیمی که از مثالهای فوق افاده می‌شود نادرست است؛ لیکن همین مفاهیم متشکل از سازه‌های زبانی با تکیه بر روشهای گوناگون کاربردی، رفته‌رفته در روح و روان و فرهنگ معنایی جامعه هدف رسوخ می‌کند و عملکرد آن به عنوان یک مفهوم رایج و عادی تا دوره نامشخص زبانی امتداد می‌یابد. گاهی نیز دستاورد محتوایی ساخت یک مفهوم جنبه منطقی دارد و پس از عبور از برهه زمانی خاص، تاریخ مصرف آن به پایان می‌رسد.

بدین ترتیب سازوکار اقناع‌سازی از شالوده سیاستهای معطوف به پیشبرد قدرت نرم^۱ محسوب می‌شود (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۳، ۴۴). مفهوم‌سازی نظام‌مند امکان افزایش توان نرم‌افزاری را در دو عرصه اطلاعی و احساسی فراهم می‌آورد و لحاظ نمودن هر دو سطح، برای پوشش دادن دو بُعد وجودی انسان (عقل و احساس) زمینه مفهومی مناسب را ایجاد می‌نماید.

۱- بُعد اطلاعی دربردارنده نوع و کیفیت مفهومیست که برای یک یا مجموعه‌ای از سازه‌های معنادار مرتبط تعریف می‌شود. اینکه چگونه از ابزارهای متنوع زبانی و غیرزبانی در بارگذاری مفهوم موردنظر استفاده شود، به عواملی چون باهم‌آوری، واژه‌پردازی، هم‌نشین‌سازی، تکرار، مجازآفرینی،

خبرسازی، بهره‌برداری از حوادث، حادثه‌سازی و سناریوپردازی برمی‌گردد. در یک برنامه ریزی معنایی صحیح، نشانه‌های تولیدی که مورد مصرف گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد؛ با توجه به شرایط فردی و اجتماعی مخاطبین و هدف پیش‌رو، همچون رژیم غذایی، حاوی برخی سازه‌های زبانی مناسب و فاقد برخی سازه‌های نامناسب است. هدایت معنایی و مستمر همه مصرف‌کنندگان نشانه (دوست یا دشمن) در سطوح مختلف در راستای نیل به اهداف تعیین شده ضرورت دارد. بخش اعظم شاکله فکر اجتماع برخاسته از دریافتهای حسی و القانات زبانی تولیدکنندگان اندیشه است که از طریق مفاهیم زبانی یا غیرزبانی منتقل می‌گردد. تاکتیکها و شگردهای متنوع عرضه، کیفیت و چگونگی کارکردهای معانی را در اذهان مخاطبین، مطابق پیامدهای قابل پیش‌بینی تعیین می‌کنند.

۲- بُعد احساسی مفهوم‌سازی به جنبه‌های زیباشناختی مجموعه‌های نشانه‌ای توجه دارد. کارکرد طبیعی این بعد در عرصه غیرزبان شامل نوع صحنه‌پردازی و پرداخت نشانه‌ها در انواع هنرها به منظور ایجاد احساس موردنظر می‌گردد و بر سطح عمیق‌تری از ذهنیات گروه هدف متمرکز است. در عرصه زبان عمدتاً زمینه‌های ادبی شامل شعر، سخنوری، معانی و بیان و در حوزه‌های تبلیغاتی، تجاری و انواع نامگذاریها را دربرمی‌گیرد.

واژه‌های سرشار از قابلیت و واکنش در سطوح مختلف مغز و کارکردهای عالی ذهنی‌اند. هر واژه لبریز از هیجان و احساس، آن بخش از کارکردهای عالی ذهن ما را فعال می‌سازد و ما را برای موضع‌گیری له یا علیه یک ایده، شخص یا نگرش برمی‌انگیزد (الیاس، ۱۳۸۳، ۸۰). بدین‌منظور شگردهای صوتی و تصویری حقیقی و مجازی و همچنین صناعات مختلفی چون پی‌آوری، نظم، آهنگ، فصاحت و همچنین خوشنویسی و خوش‌صدایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. توجه به عرصه احساسی در شکل‌دهی صورت سازه‌های نشانه‌ای، در نهایت باعث زیبایی و جاذبه افزون‌تر این تولیدات و تعمیق توجه و نفوذ بهتر و عمیق‌تر آنها در

ذهن مخاطب و در نتیجه تولید قدرت بیشتری خواهد شد.

سایر امکانات نرم‌افزاری مفهوم‌سازی

۱- واژه‌پردازی و ترکیب‌سازی^۱ از راه‌های متداول خلق مفاهیم جدید شمرده می‌شود. امکان هماوری^۲ کلمه‌ها یا سایر سازه‌های زبانی با هم، برآمده از همین قابلیت پُرکاربرد زبانیست که عامل ایجاد تواناییهای نامحدود معنایی در زبان است^۳ (Chomsky, 1997,51). اگر طبیعت، با عظمت لایتناهی خود از ترکیب حدود یکصدونه عنصر به وجود آمده است، عناصر زبان به تعداد واژگان و سایر سازه‌های کوچکتر و بزرگتر امکان مفهوم‌سازی دارد. حال اگر عناصر معنادار غیرزبانی نیز به این مجموعه اضافه گردد امکان آفرینش و انتقال معنا خارق‌العاده و نامحدود خواهد شد.

ترکیبات ساده زبانی چون سیاه‌نمایی، جوان‌گرایی، شغل‌آفرینی، قایقهای تندرو، نسل‌کشی، مبارزه با تروریسم، دمکراتیزه کردن حکومتها در خاورمیانه، مبارزه با سلاحهای غیرمتعارف، بحران هسته‌ای ایران، مبارزه با رژیمهای حامی تروریسم، بلندپروازی‌های هسته‌ای، تعلیق داوطلبانه، جنگهای صلیبی و غیره حداقل سازه‌هایی هستند که به فراخور شرایط و با اهداف حساب‌شده برای انتقال مفهوم تولید می‌شوند؛ ولی کارکرد تعاملی نشانه‌ها به سازه‌های زبانی محدود نیست. مفاهیمی که از نشانه‌ها افاده می‌شود وابستگی عمیقی به موقعیت مکانی و زمانی کاربرد آن نمادها دارد و در تشریح مبحث معنا حتماً باید به پرداخت بافت موقعیتی^۳ زبان نیز گوشه چشمی داشت.^{۱۵}

همنشینی^۴ نمادها خالق مفاهیم است و بافت موقعیتی که هر نشانه یا سازه در آن به کار می‌رود، معمولاً خود حاوی مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی و غیرزبانی است که در ساخت ترکیب معنایی نقش دارد و جملات و متون زبانی و غیرزبانی

1. Combination
2. Collocation
3. Context of Situation
4. Syntagmatic

را به وجود می‌آورد.^{۱۶}

همنشینی^{۱۷} نمادهای غیرزبانی به چیدمان داده‌های دیداری، شنیداری و غیره در کنار هم اشاره دارد. انواع چیدمان مصادیق به صورت طبیعی یا مصنوعی امکان وقوع دارند و به شکل هدفمند امکان بهره‌برداری از آنها وجود دارد:

- بزخورد هواپیماها و ریزش برج‌های دوقلو به عنوان نمادی از حمله، بروز خسارت و تهدید.
- در کنار هم قرار گرفتن چندین نفر در مکان و زمان واحد، تحت عنوان تجمع یا راهپیمایی همراه با حمل دست‌نوشته‌ها، نمادها و طرح شعارها در موافقت یا مخالفت با یک جریان.

۲- تداعی و معانی با اتصال سازه‌ها به کمک قواعد دستوری (در مورد زبان) و به کمک قوانین طبیعی (در مورد غیرزبان) میسر می‌گردد. پس از عرضه و رواج مجموعه سازه‌های همنشین، چنانچه به یکی از آنها اشاره گردد، درسایه کارکرد روابط پنهان و آشکار مؤلفه‌هایی معنایی، (صرف‌نظر از دست یا نادرست بودن این ارتباط) سایر سازه‌ها در ذهن تداعی^۱ می‌شوند:

نشانه زبانی "زمستان" به برهه‌ای از سال اشاره دارد که هوا سرد است.

نشانه زبانی ← تداعی سرما

- زمستان/ سرما، مطالعه/ کتاب، قطار/ مسافرت، لگد/ پا، جنگ/ کشته‌شدن، بمب/ تخریب، خاورمیانه/ فقر، اروپا/ پیشرفت، ایران/ سلاح اتمی، افغانستان/ کشت خشخاش، کوبا/ کاسترو.^{۱۸}
- همنشین نمودن نام ایران، عراق و کره شمالی در محور شرارت^۲، در ذهن مخاطب آفریننده مجموعه‌ای از بدیهاست که از واژه شرارت افاده می‌شود و در این همنشینی این سه کشور مشترکاً مظهر آن قرار گرفته‌اند.

1. Association
2. Axis of Evil

حتی اگر در عالم واقع این کشورها مصداق شرارت نباشند، اطلاق این صفت به آنها این تصور را به ذهن مخاطب تحمیل می‌کند.

- در جمله خود ساخته: «کشورهای گرفتار فقر فرهنگی مانند تانزانیا، آمریکا و پرو، تا رسیدن به حد قابل قبولی از توسعه فرهنگی راه درازی در پیش دارند.»

صرف همنشین نمودن نام این سه کشور در کنار هم، در ذهن مخاطب تصویری از عقب‌ماندگی فرهنگی تداعی می‌کند که این سه کشور در آن مشترکند؛ هر چند در عالم واقع نوع و کیفیت عقب‌ماندگی آنها متفاوت باشد. در مثال اول مفهوم زبانی «شرارت» و در مثال دوم مفهوم زبانی «عقب‌ماندگی فرهنگی» به نوعی بر هر سه کشور تعمیم یافته و سایه افکنده است. همنشین نمودن نام «ایران» با ترکیبات زبانی چون «نقض حقوق بشر»، «عدم وجود آزادی» و «ساخت سلاح هسته‌ای» با همین هدف صورت می‌گیرد و ساخت و کاربرد گاه‌به‌گاه ترکیب زبانی «خلیج عربی» در برابر «خلیج فارس» در همین راستا قابل توجه است.

هماوری برخی واژگان با تمرکز بر اهداف معنایی خاص و استفاده از آنها در رسانه‌های گروهی می‌تواند به تغییر تاکتیکی ترکیبها منجر شود و تداعی و تسری معانی موردنظر را در فرهنگ معنایی جامعه هدف موجب گردد:

- ایران ← امنیت، آزادی، اسلام، وحدت، استقامت، علم، استقلال، پیشرفت، فرهنگ
 - آمریکا ← جنایت، خشونت، ظلم، تبعیض، بمباران، شکنجه، فساد، حيله‌گری، شهوت
 - اسرائیل ← قانون‌شکنی، جنایت، رکود، نژادپرستی، شرارت، تجاوز، تروریسم، غضب
- مثال:

- ترکیب زبانی سیاست هویج و چماق^۱ که از جانب اروپا و آمریکا به

عنوان یک سیاست در برابر ایران مطرح شده است نوعی همنشینی واژگانیست که علناً بار معنایی خاصی را با خود حمل می‌کند. در اینجا سرایت مفاهیم موجود در تمثیل به مصادیق کاملاً آشکار است. آنکه چماق به دست دارد آمریکا و آنکه هویج به دست دارد اروپاست و بر اساس افاده ترکیب، ایران نقش خرگوش را بازی می‌کند. فحوای این هماوری برای کشور ایران توهین‌آمیز است؛ چرا که نقش شخصیت اول ترکیب را انسانها بازی می‌کنند و شخصیت سوم یک حیوان ضعیف است که به طمع هویج، پیش می‌رود؛ ولی در نهایت چماق بر سر او فرود می‌آید و داستان خاتمه می‌پذیرد. (پایان سناریو) گرچه هدف از طرح این سازه بیان منظور فوق است؛ لیکن تلویحاً در مؤلفه‌های معنایی این ترکیب، به نقش چماقداری آمریکا و حيله‌گری و تزویر اروپا و نیز اینکه هویج فقط یک طعمه است و بنا نیست به خرگوش داده شود اعتراف شده است.^{۱۹} (بازگشایی سناریو)

- گفته می‌شود: «در صورت مجهز شدن ایران به فناوری هسته‌ای موازنه قوا در منطقه به هم می‌خورد»؛ در حالی که برای خنثی‌سازی این ترکیب مخرب و انحرافی باید در سانه‌ها حول محور معنایی ترکیب زبانی زیر حرکت کرد:

«تجهیز ایران به فناوری هسته‌ای موجب بهبود موازنه قوا در منطقه شده است.»

۳- سبک مناسب^{۲۰} در هماوری نشانه‌ها، چتری از ارادت و احترام یا توهین و تحقیر را برفراز مفهوم موردنظر قرار می‌دهد که به نوعی بر ذهن مخاطب تحمیل می‌گردد.

تنظیم سبک به وسیله بیان کامل یا ناقص اسامی خاص و یا با استفاده یا عدم استفاده عمدی از القاب، عناوین و خطابه در مواردی هنگام همنشین نمودن نشانه‌های مفهوم‌ساز، کاربرد ویژه دارد:

- جمهوری اسلامی ایران به جای ایران

- آمریکا به جای ایالات متحده آمریکا

- بوش به جای آقای پرزیدنت بوش

نوع دیگری از تنظیم سبک اختصاص به کاربرد اصطلاحات و الفاظ و نشانه‌هایی دارد که در عرف سیاسی حامل باری از توهین است؛ ولی در چارچوب هنجارهای زبانی جامعه کاربرد دارد و تمثیلات و تشبیهات و استعاره‌های سیاسی نیز در همین طبقه قرار می‌گیرد:

- محمود احمدی‌نژاد در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، بحث رسیدگی به نقد حقوق بشر در ایران را به بحث نخ‌نمایی تشبیه کرد که دیگر تهوع‌آور شده است. (Radio Farda, 1384)

۴- تقدم و تأخر در کاربرد نشانه‌ها نیز خالی از معنا نیست. قرارداد پرچم آمریکا روی پرچم ایران، مقدم داشتن نام آمریکا بر ایران در اخبار و تحلیلها و بالاتر قراردادن یا بزرگتر کردن عکس مقامات اروپایی نسبت به مقامات ایرانی در رسانه‌های دشمن نمونه‌هایی معنادار از کاربرد نشانه است.

۵- در مفهوم‌سازی عنصر تکرار نیز نقشمند است. تکرار، ابزار مؤثر در تفهیم، جلب‌نظر، تلقین و یادگیری و جنگ روانی محسوب می‌گردد و در دو شکل زبانی و غیرزبانی مورد مصرف دارد:

الف) تکرار غیرزبانی در اشکال صوتی و تصویری طبیعی یا ساختگی امکان وقوع دارد و شامل داده‌هایی می‌گردد که کراراً از راه حواس دریافت می‌گردد و به ایجاد مفهوم منجر می‌گردد. طلوع و غروب خورشید، برخورد امواج به ساحل، تماشای درختان کنار جاده، شنیدن صدای رود از جمله نمونه‌های تکرار طبیعی است و توجه مکرر به تابلوهای تبلیغاتی و شنیده‌شدن صداهای مکرر انفجار از جمله موارد تکرار ساختگی به شمار می‌رود.

ب) تکرار زبانی عبارت است از شنیدن، خواندن یا نجوای مکرر یک سازه زبانی.

در تکرار زبانی به یک سازه زبانی بارها اشاره می‌گردد و هر چند جز بار اول، بقیه موارد "حشو زبانی" محسوب می‌شود؛ ولی همین حشو زبانی در مفهوم‌سازی، آموزش، روانشناسی، تبلیغات و تولید قدرت نرم دارای کاربرد مؤثر است: گاهی در ترکیب از تکرار چند جزء زبانی هم معنا (مثلاً دو صفت) استفاده می‌شود که در مبحث مفهوم‌سازی قابل توجیه است:

- دوست و رفیق را نباید از دست داد.

- برای حفظ و صیانت از کشور باید همواره آماده بود.

کارکرد فوق‌العاده حضور هدفمند و در مفهوم‌سازی قابل انکار نیست و نباید از مزایای آن غافل شد. در همین رابطه است که تکرار سازه‌های یکنواخت و سازه‌های مترادف زبانی صورت می‌پذیرد که گاه علاوه بر نقش عادی، نوعی توازن کلامی نیز ایجاد می‌نماید:

- ایران، ایران، تورا دوست می‌دارم.

- جنگ، جنگ، تا پیروزی.

تکرار ممکن است در مورد سازه‌های بزرگتر صورت گیرد. حتی یک مفهوم در متون گوناگون و اشکال مختلف نشانه‌ای قابل تکرار است:

- نشر یک اطلاعیه در مورد وجود ناامنی در یک شهر و سپس بمباران آن شهر، نمونه دو جلوه از یک مفهوم است که با دو بسته نشانه‌ای، ولی در پی اثبات یک معنا حرکت می‌کنند. ایران برای جلوگیری از برقراری اجلاس سران غیرمتعهدها در بغداد اعلام کرد که «بغداد جای امنی برای برگزاری اجلاس نیست.» در تاریخ سی‌ویکم تیرماه ۱۳۶۱، بمباران پالایشگاه بغداد و تخریب هتل محل برگزاری اجلاس به وسیله خلبان شهید، عباس دوران، پیام ناامن بودن بغداد را بانسانه‌ای دیگر تکرار و اثبات می‌کند. (Nabae.Persianblog.1384)

- تکرار ترکیب زبانی "توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران" به جای "تعلیق موقت غنی‌سازی اورانیوم" که بارها از جانب رسانه‌های استکباری بیان

شده است، نشانه وجود جنگ نشانه‌هاست که با هدف تحمیل مفهوم صورت می‌گیرد.

- نمایش تأسیسات پیشرفته هسته‌ای کشور و ذکر مزایای این انرژی از رسانه‌ها به تناوب و بارها صورت گرفته است؛ در حالیکه این جمله نیز به دفعات و به اشکال مختلف نقل می‌گردد: «فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به یک خواست ملی تبدیل شده است.» در این مورد هم دو بسته معنایی مترادف در خدمت انتقال یک مفهوم قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

ورود عناصر معنادار غیرزبانی و زبانی به ذهن انسان از گلوگاه نشانه صورت می‌پذیرد و دیدگاه عقلایی انسان، ناخودآگاه با کمک قواعد منطقی به تحلیل و نتیجه‌گیری از شبکه نشانه‌های دریافتی می‌پردازد. این فرآیند همان تفکر است که عموماً مقدمه "کش" محسوب می‌گردد. در منازعات نرم، توجه موازی به دو مقوله بافت موقعیت^۱ و فحوای زبانی^۲ راه بهینه‌سازی کنشهای زبانی و غیرزبانی و نیز درک واکنشهای معنایی - ذهنی را هموار می‌سازد تا بتوان با چیدمان دقیق و هدفمند نشانه‌ها به مفهوم‌سازی پرداخت و اندیشه و تصمیم حریف را به سمت موردنظر متمایل نمود و از کارکرد قدرت نرم سود جست.

ساماندهی نشانه‌ها به جهت‌گیری و کنترل معانی می‌انجامد و کنترل معانی. تا حد زیادی چگونگی رفتار انسانها را تعیین می‌نماید. اینچنین است که در دنیای امروز بعد جدیدی از نبرد نرم یا مجازی^۳ در صحنه روابط جهانی پدید آمده است که برخلاف گذشته صرفاً بر پایه‌های سخت‌افزاری و نبرد فیزیکی متکی نیست. این فعالیت نرم‌افزاری تنها در صورتی نهادینه و پویا خواهد شد که با نگرش علمی به نشانه و همه سازه‌هایی بنگریم که از نشانه تولید می‌شوند.

1. Context of Situation
2. Language Meaning
3. Soft or Virtual Warfare

محدوده این نبرد نرم به وسعت ذهن همه مخاطبین امتداد دارد و همه عرصه‌های پیچیده تفکر آدمی را دربر می‌گیرد. ترکیب نشانه‌ها آغازگر مرحله ایجاد بسته‌های معنایی است که حاوی مجموعه‌ای از نشانه‌های مرتبط با سطح وسیع‌تری از مفهوم است. در سناریو شبکه‌ای از بسته‌های معنایی به القای مفاهیم پیچیده‌تری می‌پردازند که تولید، تفسیر و تأویل آن نیاز به انتزاعات هرمنوتیک و معناشناسانه دارد. در ادبیات نبرد نرم، ظرافت تشخیص یا مدیریت مؤلفه‌های معنادار و درهم تنیده نشانه‌ها، صحنه‌ها و سناریوها کمتر از پیچیدگی ذهن انسان نیست.

در دنیا ارتباطات و در کشاکش نبرد معانی، بی‌توجهی به کارکردهای شگرف ادبیات معناشناسانه، به‌ویژه از جانب نخبگان و تصمیم‌گیران، خسارت‌بار و دور از خردمندی است. با تکیه بر این شالوده می‌توان به منظور دفاع در مقابل سازه‌هایی معنایی القا شده توسط حریف و یا با هدف هجوم به سازه‌های معنایی وی و همچنین به منظور اشاعه ذهنیات مثبت یا منفی در منازعات جاری، به تولید سازه‌های مناسب معنایی و خلق سناریوهای کاملاً هدفمند مبادرت ورزید. در تفسیر معنایی، مقایسه احتمالات ممکن در برداشت که در پس ظاهر بسته‌های معنایی قرار دارد، وقتی در فضای روشنی‌بخش علم منطق و با تکیه بر علوم جدیدی چون هرمنوتیک صورت پذیرد، دقیق‌ترین قرائت را از شبکه پیچیده معنا میسر می‌سازد. همین شیوه، شرایط تعبیه مؤلفه‌های معنایی مورد نظر را هنگام آفرینش سازه‌های مفهوم‌دار و سناریوهای منطقی - معنایی فراهم می‌آورد. استفاده از نمادهای روساختی^۱ برای اشاره به معانی ژرف‌ساختی^۲ که در عمیق‌ترین لایه‌های ذهن، جایگاه دارد، امر روزمره‌ایست که همواره اتفاق می‌افتد؛ ولی تحلیل آن چندان ساده نیست؛ همچنان که تحلیل فیزیکی پرواز معمولی یک پرنده ساده نیست.

لذا ورای تنش و رقابت در عرصه‌های گوناگون، نوع پردازش نشانه،

1. Surface Structure
2. Deep Structure

مقوله‌ایست که نگاه ویژه به سطح کیفیت و کمیت آن در بطن همه چالشها قرار گرفته است. بی‌تردید جنبش نرم‌افزاری علاوه بر تولید علم، شامل چگونگی تولید و مدیریت نشانه‌ها به‌منظور مفهوم‌سازی و آفرینش قدرت نرم نیز می‌گردد؛ چرا که نشانه‌ها، حاوی داده‌ها هستند و در نهایت، داده‌های تدوین شده هستند که علم، جهان‌بینی و تصمیمات انسان را رقم می‌زنند و کنشها و واکنشها را می‌آفرینند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- کاربرد صورتهای زبانی همواره به عنوان مکمل صورتهای غیرزبانی مطرح است و سهولت استفاده و سرعت سازه‌های زبانی در بسیاری موارد بر شیوه‌های پیام‌رسانی غیرزبانی برتری دارد.
- ۲- مقصود از بسته معنایی مجموعه داده‌های هم‌عرضی است که نسبت به یک موضوع در دسترس قرار می‌گیرد. مثلاً اطلاعاتی که در اذهان مردم از زندان ابوغریب نقش بسته است یک بسته معنایی است که با هر بار شنیده شدن آن نام مجدداً تداعی می‌گردد.
- ۳- ترکیب تکواژها و واژگان، تولید جمله و هم‌نشینی جملات با هم، عامل ایجاد قابلیت است که امکان انتقال نامحدود معنا را برای زبان فراهم می‌آورد.
- ۴- توجه به قابلیت‌های صوری یا ساختار شکلی زبان باعث درک بهتر اصولی می‌گردد که عامل تعمیق و توسعه قدرت ذهنی زبان است و در تفسیر مطرح می‌شود.
- ۵- هانس گئورگ گادامر، پل ریکور، امیلیو بتی و بخصوص ای.د. هرش با تکیه بر این پیشینه، چشم‌اندازهای نوینی از هرمنوتیک را بر عرصه تمامی علوم و حتی مدیریت، ادبیات و هنر تسری می‌دهند.
- ۶- عناصر صوری زبان در نقش محملی مادی عهده‌دار حمل سطوح انتزاعی معنا هستند.
- ۷- چنانچه آگاهی از یک چیز سبب درک چیز دیگری شود، دانسته اول را "دال" و دانسته دوم را "مدلول" می‌نامند و به رابطه میان دال و مدلول نیز "دالت" گفته می‌شود. در همه نظامهای ارتباطی وجود این سه عنصر بدیهی است. دالت شامل سه بخش طبیعی، عقلی و وضعی است و دالت وضعی نیز به غیرلفظی و لفظی تقسیم می‌گردد.
- ۸- از منظری متفاوت "نشانه" در سه سطح شمایل (icon)، نمایه (index) و نماد

- (symbol) قابل تقسیم است. میان صورت و معنی شمایل، گونه‌ای شباهت شکلی موجود است (مانند نشانه تصویری: عکسی که به صاحب آن دلالت می‌کند). میان صورت و معنی نمایه گونه‌ای رابطه‌ی علی وجود دارد (مانند نشانه‌ی طبیعی: دلالت دود بر آتش). میان صورت و معنی نماد، رابطه‌ی قراردادی وجود دارد. (مانند نشانه‌ی وضعی: دلالت چراغ سبز بر اجازه‌ی حرکت خودروها و دلالت واژه بر مفهوم). (Peirce, 1985)
- ۹- هرمنوتیک عموماً بر ساختار معنایی زبان تأکید دارد؛ ولی از آنجا که ماده معنا در سازه‌های غیرزبانی هم موجود است، می‌توان کارکرد هرمنوتیک را در همه ساختارهای معنادار جستجو نمود.
- ۱۰- به کوچکترین واحدهای زبانی را که دارای نقش دستوری یا معنایی هستند "تکواژ" می‌گویند. (ساغروانیان، ۱۳۶۹، ۹۲)
- ۱۱- در اواخر سال ۲۰۰۲ نای با هدف تبیین محدودیتهای قدرت آمریکا در مقاله‌ای تأکید می‌نماید که تداوم قدرت این دولت به اهتمام جدی آن نسبت به قدرت نرم، به‌ویژه در قالب "شکل دادن به خواسته‌های دیگران" معنا خواهد یافت. (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۳، ۳۱)
- ۱۲- شخصیت‌ها و اندیشمندان بسیاری مانند سرژیتون، روزه گارودی، روبر فوریسون، لوی برژه، دیوید ایروینگ، فردریک توبن و ... بارها از هولوکاست و افسانه اتاقهای گاز نازی‌ها به عنوان یک دروغ بزرگ نام برده‌اند. (Kayhan News, 1383)
- ۱۳- برای استفاده بهینه از زبان، ناگزیر به در نظر گرفتن دو نکته هستیم: اولین نکته تلاش برای افزایش قابلیت‌های صوری زبان است که ساختار شکلی زبان را تعیین می‌کند. نکته دوم توجه به اصولی است که باعث تعمیق و توسعه قدرت ذهنی زبان می‌گردد و در تفسیر زبانی مطرح است. نشانه‌های آوایی - واجی و صرفی - نحوی بیشتر در خدمت صورت زبان و نشانه‌های معنایی و کنشی یا منظور شناختی عمدتاً در راستای درک و تأویل زبان قرار می‌گیرند. استفاده از روساخت زبان برای اشاره به ژرف ساخت زبانی که در عمیق‌ترین لایه‌های ذهن، جایگاه دارد، امر روزمره‌ایست که به تنهایی یا در کنار نشانه‌های معنادار غیرزبانی همواره اتفاق می‌افتد؛ ولی تحلیل آن چندان ساده نیست.
- ۱۴- در هر بافت کلامی و موقعیتی یکی از معانی ممکن، موردنظر است و مخاطب زبانی در شرایط ایده‌آل، براحتی همان معانی را دریافت می‌کند. کلمه در متن یا موقعیت مورد استفاده، تنها آن دسته از مشخصه‌های معنایی خود را ظاهر می‌کند و به فعلیت می‌رساند که به آن متن یا موقعیت مربوط است. به آن دسته از مشخصه‌های معنایی که در یک متن یا موقعیت، مدنظر قرار نمی‌گیرند، مشخصه‌های خنثی شده گفته می‌شود.

- ۱۵- مقصود از جمله‌ها و متون غیرزبانی، نوعی صحنه‌پردازی طبیعی یا ساختگی از مجموعه اشیا، عناصر پدیده‌ها و موجودات است که مانند جمله و متن زبانی معنا می‌آفریند؛ در حالی که جنس نشانه‌ها زبانی نیست.
- ۱۶- همنشین نمودن سازه‌های معنادار مانند تکواژها، واژه‌ها، ترکیبها، جمله‌ها و بندها در معناسازی و القای مفهوم دارای نقش است و باعث تسری معنای سازه‌های همنشین به یکدیگر می‌گردد. سازه‌های همنشین همراه هم نوعی معجون معنایی می‌سازند که از ترکیب مفاهیم بار گذاشته بر هر یک از سازه‌ها ایجاد شده است. همآوری شامل رابطه معنایی بنیادین معنایی و صوت‌شناسی است که میان سازه‌های زبانی (عموماً گروه‌های واژگانی) برقرار می‌شود و به آفرینش معانی جدید می‌انجامد.
- ۱۷- در این مثال‌ها نگارنده مقاله، خود را در جایگاه فردی قرار داده است که به‌طور طبیعی در معرض مفهوم‌سازی‌های جاری قرار داشته و اثر پذیرفته است؛ در غیر این صورت تداعی بسیاری از این قبیل کلمات در شکل واقعی آنها ظاهر می‌شد. به عنوان نمونه نام بلند ایران در شرایط واقعی و به دور از مفهوم‌سازی‌های تحریفی، معانی چون سلام، صلابت، مردم‌سالاری و عزت را تداعی می‌کند.
- ۱۸- ابزار توسیع Semantic Widening و تنزل معنایی Semantic degeneration در این تحلیل کاربرد دارد و علاوه بر این امکان کنترل و اشاعه عادات زبانی - معنایی را از راه ترکیب سازی مناسب و دقیق فراهم می‌آورد.
- ۱۹- دو گفته‌ای که در یک زبان تقریباً یک اطلاع را ابلاغ کنند؛ اما در ساختمان زبانشان متفاوت باشند می‌توان گفت که تفاوت سبک دارند. (Hoket, 1967, 556)
- ۲۰- سیستم‌هایی که در سالهای اخیر توسعه داده شده است عبارتند از: ACSPIE, RIEGSSPILE, LPOLEX (علایی، ۱۳۷۹، ۵۸)
- ۲۱- در دهه ۱۹۷۰ میلادی بسیاری از مطالعات درباره سازمانها به عنوان سیستمهای تصمیم‌گیری و پردازش اطلاعات به انجام رسیدند. ناظران به مشاهده سازمانها به عنوان سیستمهای فعالیت قابل انعطاف و همچنین ساختارهای با ثبات پرداختند و تمرکز به تدریج از فعالیتهای فیزیکی به سمت فعالیتهای ذهنی و فکری سوق یافت. (Laudon and Starbuck, 1996)
- ۲۲- بوش در هشتم فوریه ۲۰۰۴ ضمن تصدیق این مطلب افزود: ممکن است سلاح‌ها نابود، مخفی و یا از عراق خارج شده باشد. وی ادامه داد: حتی اگر هیچ سلاحی هم در عراق پیدا نشود، به هر حال صدام‌حسین توان تولید این‌گونه سلاحها را داشت. (BBC, 2004)

۲۳- کشورهای غربی از این بیم دارند که ایران حتی اگر تصمیم ساختن بمب هسته‌ای در حال حاضر را نداشته باشد، به طور پنهانی مصمم به دستیابی به دانش تولید بمب هسته‌ای است و برای این کار به یک برنامه هسته‌ای نیازمند است. آمریکا و بعضی کشورهای غربی می‌گویند نمی‌توان به ایران اعتماد کرد. علاوه بر این خاطرنشان می‌سازند که دادن اجازه به ایران برای غنی‌سازی اورانیوم ممکن است چراغ سبزی برای سایر کشورها باشد. غرب همچنین از این نگران است که بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران ممکن است به بی‌ثباتی در منطقه منجر شود. (BBC, 2005)

منابع فارسی

- ۱- ارسطو (۱۳۷۸)؛ *منطق ارسطو، ارگانون*، انتشارات نگاه، تهران.
- ۲- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۳)؛ "کاربرد روانشناسی در عملیات روانی"، *فصلنامه عملیات روانی*، سال دوم، شماره ششم (پاییز).
- ۳- امینیان، بهادر (۱۳۸۳)؛ "آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات"، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۴۸ (پاییز).
- ۴- امینیان، بهادر (۱۳۷۹)؛ "جنگ آینده در ادبیات استراتژیک آمریکا"، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۳۳-۳۲ (پاییز و زمستان).
- ۵- امام، عباس (۱۳۷۰)؛ "منظورشناسی و ترجمه"، *فصلنامه مترجم*، سال اول، شماره سوم (پاییز).
- ۶- باغینی‌پور، مجید (۱۳۸۳)؛ "تأکید، تکرار و ساخت‌های بدلی"، *مجله زبان‌شناسی*، شماره ۳۸ (پاییز و زمستان).
- ۷- بل، دانیل (۱۳۸۲)؛ *آینده تکنولوژی*، انتشارات وزارت امورخارجه، تهران.
- ۸- بوث، سایمون (۱۳۸۳)؛ "شیبه‌سازی تعاملی و آموزش مدیریت بحران: فنون جدید برای بهبود عملکرد"، ترجمه حسین حسینی، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۴۶ (بهار).
- ۹- پالمر، فرانک (۱۳۶۶)؛ *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، نشر مرکز، تهران.

- ۱۰- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۳)؛ *استراتژی و تحولات ژئوپلیتیک پس از دوران جنگ سرد*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، تهران.
- ۱۱- چامسکی، نوآم (۱۳۸۱)؛ ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق، ترجمه بهروز خندقی، انتشارات عصر رسانه، تهران.
- ۱۲- حسینی، حسین (۱۳۷۶)؛ *اصول و مبانی استراتژی*، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۳- ریچاردز، هیوئر (۱۳۸۰)؛ *دشمن چگونه می‌اندیشد: روان‌شناسی تحلیل اطلاعات*، ترجمه علیرضا فرشچی و احمد رضا تقاء، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، تهران.
- ۱۴- ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۷۸)؛ *منطق و مبحث علم هرمنوتیک - اصول و مبانی علم تفسیر*، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۱۵- ساغروانیان، سیدجلیل (۱۳۶۹)؛ *فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی*، نشر نما، مشهد.
- ۱۶- سلیمانی، علیرضا (۱۳۸۳)؛ "نگرش نشانه‌شناسانه به جنگ: نمونه جنگ تحمیلی، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۴۷ (تابستان).
- ۱۷- شلیفر، رون (۱۳۸۳)؛ "پژوهشی جدید در عملیات روانی رژیم صهیونیستی"، ترجمه علی شاهرخی، *فصلنامه عملیات روانی*، سال دوم، شماره ۶ (پاییز).
- ۱۸- صفوی، کورش (۱۳۷۹)؛ *درآمدی بر معناشناسی*، حوزه هنری، تهران.
- ۱۹- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)؛ *بنیادهای علم سیاست*، نشر نی، تهران.
- ۲۰- علایی، حسین (۱۳۷۹)؛ "مقدمه‌ای بر مدل‌سازی سناریوهای جنگی و ارزیابی آنها"، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۳۲-۳۳ (پاییز و زمستان).
- ۲۱- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، ج اول، انتشارات طرح نو، تهران.
- ۲۲- کاک رای، کاپیل (۱۳۸۲)؛ "ارزیابی انقلاب در امور نظامی"، ترجمه مهدی کرکی، *ماهنامه نگاه*، شماره ۳۶ (تیرماه).
- ۲۳- کرکی، مهدی (۱۳۸۶)؛ "جنگ ادراکی؛ شیوه نوین درگیری"، *فصلنامه عملیات روانی*، سال دوم، شماره ۶ (پاییز).
- ۲۴- کوهن، ریموند (۱۳۷۰)؛ *قواعد بازی در سیاست بین‌الملل*، ترجمه مصطفی شیشه‌چی‌زاده، نشر سفیر، تهران.

- ۲۵- کیوان حسینی، سیداصغر (۱۳۸۳)؛ "نرم‌افزارگرایی آمریکا در صحنه عراق"، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۴۸ (پاییز).
- ۲۶- لاینز، جان (۱۳۸۳)؛ *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی*، ترجمه حسین واله، انتشارات گام‌نو، تهران.
- ۲۷- محمدی خراسانی، علی (۱۳۸۱)؛ *شرح منطق مظفر*، ج ۲، انتشارات الامام‌الحسن ابن‌علی (ع)، چ دوم، قم.
- ۲۸- موحد، ضیاء (۱۳۶۸)؛ *درآمدی به منطق جدید*، سازمان انتشار و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- ۲۹- مولانا، حمید (۱۳۷۵)؛ *رسانه‌ها و انگاره‌سازی*، ترجمه غلامرضا تاجیک، فصلنامه رسانه، سال هفتم، شماره دوم (تابستان).
- ۳۰- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۴)؛ *مبانی زبان‌شناسی*، انتشارات نیلوفر، تهران.
- ۳۱- تجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)؛ *جواهرالکلام*، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران.
- ۳۲- نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۸۰)؛ *بازنگاری اساس الاقتباس*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

English References

1. Alexander, John B. (1980); *The New Mental Battlefield*, Military Review.
2. Andrew Marshall (1995); *Scenarios of the Future Security Environment*, United States Department of Defense.
3. Chomsky, Noam (1997); *What Makes Mainstream Media Mainstream*, Z. Media Institute.
4. Laudon, Kenneth and William H. Starbuck (1996); In *International Encyclopedia of Business and Management*, Edited By M. Warner, London: Routledge.

5. Nye, Joseph S. (2004); *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, Public Affairs, New York.
6. Paul, J. H. (2002); *Scenario Planning: A Tool for Strategic Thinking*, Mass, Institute of Technology.
7. Uriel Rosenthal & Bert Pijenburg (1991); *Crisis Management and Decision Making: Simulation Oriented Scenarios*, Dordrecht: Klower Academic Publishers.

Electronic Complement Reference

[http://www.Global Scenario Group Home Page. htm](http://www.GlobalScenarioGroup.com) (2005/02/11)

<http://www.Scenario/Future.htm> (2005/02/11)

<http://www.Scenario/Future.Explorers.htm> (2005/03/09)

<http://www.kayhannews.ir.16.ht>.(08/11/85)

http://www.radiofarda.org/iran_article.htm (13/04/84)

<http://www.IranNewspaper.htm> (22/03/84)

<http://www.nabae.persianblog.com> (14/5/84)

<http://www.bbc.co.uk/persian/News/Story>(08/02/2004)

<http://www.radiofarda.com.htm>(16/05/83)

<http://www.wikipediya.org/wikiioi/military/2005>

http://www.ksg.harva/news/opeds/soft_powe.htm.2004

[http://www.soft power.The Means to Success in World Plitics.htm](http://www.softpower.org).2005

